

مدارک بدست آمده بعد از فرستادن مقاله ساغالان جهت چاپ در اوزان

(قدرت ابوالحسنی سهیلان، منتشر شده در کانال تلگرامی سینیک کورپو (@sinixkorpu))

مقدمه : پس از اینکه مقاله ساغالان (بازنویسی یک سند تاریخی) جهت چاپ به ماهنامه اوزان فرستاده شد، جهت بدست آوردن معلومات بیشتر در مورد نام این روستا به منابع الکترونیکی یا غیر الکترونیکی سفرنامه ها، خاطرات، کتب تاریخی و جغرافیایی در دسترس مراجعه شده است. ۹ مورد ذیل، نتیجه این تحقیقات هستند. از این ۹ مورد ۷ مورد اول در فضای مجازی انتشار یافته اند و فقط دو مورد آخر جدید هستند.

پیشاپیش ذکر شود که کلمه ساهاالان از نرم شدن حرف غ به شکل ه ساغالان بدست می آید و در بین مردم منطقه برای نامیدن این روستا استفاده میشود. همچنین ساوالان از تلفظ حرف غ به شکل و ساغالان بوجود می آید و در منطقه بکار میرود.

(۱) ساغالان در کتاب جهانگشای نادری

کتاب جهانگشای نادری به قلم میرزامهدی خان استرآبادی منشی و مورخ نادرشاه افشار نگاشته شده است. این کتاب ارزشمند تاریخی به اوایل قرن ۱۲ مربوط میباشد و خانم میترا مهر آبادی آنرا تصحیح نموده است. در صفحه ۱۲۸ آن هنگام نبردهای نادرشاه و عثمانیها اینگونه آمده است :

... "هنگام شام که خسرو جهانگیرمهر، تیغ رخشان شعاع را در غلاف و از معرکه سپهر ترک مصاف کرد. **قریه سهیلان**، که در آن نواحی واقع است. جولانگاه خیول سهیل جبین و مقر کوکبه عز و تمکین گشته، توپچیان زحل هیبت و تفنگچیان مریخ صلابت بجمع آوری اسرا فرمان یافته، همگی را بمعتمدان سپردند که در شهر تبریز ..."

سهیلان، برای این روستا یک نام جعلی میباشد و توسط فارسی نویسان ابداع گشته است. زیرا اولاً، در تلفظ مردم منطقه مشاهده نمی شود و ظاهراً عربیزه/فارسیزه شده ساهاالان میباشد. ثانیاً به تایید یکی از دوستان که فوق لیسانس زبان فارسی دارد، در سهیلان (Sahi' lan) حرف صدادار ای (i) کشیده وجود دارد. در

صورتیکه در ترکی که زبان مردم منطقه است حرف صدادار کشیده وجود ندارد. ثالثاً این نام در لغتنامه های فارسی که در اینترنت قرار داده شده اند نیز موجود نیست!!

ساختند، و شیردلانی، که در ظلّ رایت ازدهاپیکر، چنگ و چنگال طمع بخون فوج دوم تیز کرده بودند، بدستور بآن گروه نزدیک شده، بمحض تقارب فتنین، آن طایفه تمامی زنان و نسوان خود و اسرای آذربایجان را، که همراه داشتند، گذاشته، از بیم جان خود را بدامنه کوه خواجه مرجان ۶۵۴، که در سه فرسخی

- (۱) - در نسخه «ح» عبارت بین دو ستاره چنین است: «رومیه بمحض رؤیت ماهجه لوی حضرت ظلّ الهی روگردانده فرار نمودند.»
(۲) - در نسخه «ط» عبارت بین دو ستاره وجود ندارد

جهانگشای نادری، متن، ص: ۱۲۸

تبریز واقع است، کشیده، دلیران ظفر قرین نیز از اطراف، ایشان را فرو گرفته کارفرمای سیف و سنان تیز، از بّاس جگرگداز بقالب قلب خصم لرزه افکن و تبریز گشته و دامن کوه سرخاب را از تیغ الماس گون ۶۵۵ لعل قام ساختند. سواى مقتولینی که عدّت ایشان فزون از حوصله قیاس و تخمین بود سه هزار نفر زنده با زنان حورپیکر و اسرای نیک منظر و غنایم موفور و اسباب نامحصور بتصرف درآمده، معدودی از آن گروه، گوی سر خود را بچوگان دست امید از میدان هلاک و تشویش بدر بردند. هنگام شام که خسرو جهانگیرمهر، تیغ رخشان شعاع را در غلاف و از معرکه سپهر ترک مصاف کرد. قریه سهیلان ۶۵۶، که در آن نواحی واقع است، جولانگاه خیول سهیل جبین و مقرّ کوبه عزّ و تمکین گشته، توپجیان زحل هیبت و تفنکجیان مریخ صلابت بجمع آوری اسراء فرمان یافته، همگی را بمعتمدان سپردند که در شهر تبریز با اطلاع امینان محکمه شرع انور، باولای ایشان رسانیده، نگذارند که از مردم چشم ۶۵۷ بیگانه باطاله نظر ۶۵۸ دست درازی بذیل عفاف ایشان واقع شود، پس روز دیگر که بیست و هفتم شهر محرم بود، لوی جهانگشا بساحت تبریز نوربخشا گردید.

از مؤیدات اقبال آنکه: رستم پاشانامی که از طرف دولت عثمانیه حاکم هشترو بود، با فوجی از رومیّه باعانت مصطفی پاشا، حاکم تبریز، عازم گشته، و در همان شب چند نفر را برای ایصال خبر پیشتر روانه تبریز ساختند. چون تبریزیان هنوز سلب لباس رومیّه از خود نکرده و با طوایف سپاهیان مخلوط بودند و تمییز تبریزی از رومی متعذر بود، لذا لشکریان ایشان را مردم تبریز تصور کرده، متعرض ایشان نشدند. ایشان نیز سالم از شهر فرار، و رستم پاشا را ازین واقعه خبردار ساختند. در حینی که پاشای مزبور پای برکاب گریز شده بود، عساکر نصرت قرین «۱» در خارج تبریز باو دچار

شکل ۱: بریده نسخه الکترونیکی کتاب جهانگشای نادری

۲) نقشه آذربایجان (ایران)

نقشه ای از آذربایجان بر اساس مشاهدات و بررسیهای اولیه نیکولاس خانیکوف نویسنده روسی که در سال ۱۸۵۵-۱۸۵۱ انجام داده بوده، تهیه شده است. نقشه سال ۱۸۶۲ میلادی در برلین انتشار یافته است.

در نقشه مزبور نام روستای ساغالان، همانطور که در شکل داخل دایره دیده میشود، سئهئلان (Sehelan) قید شده است. این نام بایستی آلمانیزه شده ساهالان باشد که قبل از آن در سفرنامه جیمزموریه مکتوب و در برخی دهات منطقه استفاده میشود.

منبع:

<https://maps.princeton.edu/catalog/princeton-dj52w715p>



شکل ۲: بریده نسخه الکترونیکی نقشه آذربایجان (ایران)

۳) یادی از ساغالان در کتاب مسافرت به ایران

نویسنده کتاب مسافرت به ایران، موریس دکوتز بوئه آلمانی و اصل آن نیز به زبان آلمانی است. دکوتز بوئه در زمان فتحعلی شاه قاجار و سال ۱۸۱۷ میلادی به همراه سفیر کبیر روسیه عازم ایران شده بود. آنها جزو مهمانان حکومتی بودند که به شهرهای نخجوان، ایروان، تبریز و زنجان سفر کرده بودند.

در صفحه ۱۵۷ کتاب فوق دکوتز بوئه موقعی که آنها از سمت صوفیان به تبریز میرفتند، در پاراگرافی به ساغالان ماندنشان نیز اشاره میکند. نام ذکر شده برای روستا در ترجمه سجیلان (؟) است:

"روز هجدهم نیز تا شهر تبریز خیلی راه داشتیم بعلاوه ایرانیان تصمیم داشتند که ما را خیلی تجلیل کنند، بنابراین در قریه سجیلان که در ۲۰ کیلومتری شهر واقع بود اردو زدیم، در موقع شب از دور چراغهای اردوی قشون ایران نمایان بود."

قابل ذکر است که سجیلان در تلفظ مردم منطقه و اسامی کتبی مشاهده نشده است. به نظر میرسد در میان اسامی کتابی مانند سهلان و سهیلان باید همان سهیلان باشد.

منبع:

کتاب: مسافرت به ایران

نویسنده: موریس دکوتز بوئه/ ترجمه محمود هدایت

نشر: انتشارات جاویدان

چاپ: ۱۳۶۵

هنگام شب دو نفر از تبریز آمده سفیر کبیر را از طرف شاهزاده عباس میرزا و وزیرش خیرمقدم گفتند و با خود پرتقال و ماهی های بزرگی برسم تحفه آورده بودند ولی پرتقالهای مرحمتی ترش و ماهیها قدری مانده بود. روز هیجدهم نیز تا شهر تبریز خیلی راه داشتیم بعلاوه ایرانیان تصمیم گرفته بودند که ما را خیلی تجلیل کنند، بنابراین در قریه سجیلان که در بیست و رستی شهر واقع بود اردو زدیم، در موقع شب از دور چراغهای اردوی قشون ایران نمایان بود.

فردا را که نوزدهم بود برای ورود ما بشهر تعیین کرده بودند رودخانه اجی چای از کنار شهر می گذرد و پلی برآن بسته اند که ده چشمه دارد. از اردوگاه ما تا این پل که بیش از ده ورست «دو فرسخ و نیم» است قشون ایران صف آرائی کرده بود ما هم از عقب موزیک و قزاقان و سربازان روانه شدیم. چون مقابل صف رسیدیم تمام افراد و صاحب منصبان سلام دادند و بلافاصله شلیک توپ شروع شد.

در دست راست چهل و هشت عراده توپ سبک و هشت اسکادران سواره نظام و هشت هزار پیاده صف آرائی کرده بودند و نیز عده دیگری از اکراد و سربازان محلی حضور داشتند.

از پل که گذشتیم فتحعلی خان حاکم نظامی شهر تبریز از طرف ولیعهد یک کمند اسب ممتاز با دهانه و افسار طلای جواهرنشان بسفیر کبیر داد ولی ژنرال با کمال ادب از قبول آن معذرت خواسته گفت که تا بحضور شاه مشرف نشده تحف و هدایای سلطان خود را تقدیم ندارم چیزی قبول نخواهم کرد و ما همچنان با هنگ موزیک پیش می رفتیم.

شکل ۳: بریده نسخه الکترونیکی کتاب مسافرت به ایران

(۴) ذکر ساغالان در یک کتاب تاریخی

در کتاب نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن نوشته دکتر محمد جواد مشکور، نویسنده در فصل دهم به آمار شهرها و آبادیهای آذربایجان در سرشماری سال ۱۳۴۵ پرداخته است.

در صفحه ۵۱۶ کتاب مذکور نام روستای مورد بحث که در آنزمان جزو دهستان سردرود بوده است به شکل سهلان (ماغالان) آورده شده است. ماغالان باید ساغالان باشد و حرف اول اشتباه تایپی است، چونکه اسم این روستا چه شفاهی و چه کتبی در گذشته و حال هموار با حرف س شروع شده است.

منبع:

کتاب: نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن

تالیف: دکتر محمد جواد مشکور

نشر: چاپخانه بهمن

سال: ۱۳۴۹

فصل دهم				۵۱۶
نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خواجه دریزج	۶۸	۵۶۴	۳۰۱	۲۶۳
رواسان	۷۸	۴۳۹	۲۳۲	۲۰۷
سعد بیک	۴	۴۵	۲۴	۲۱
سهلان (ماغالان)	۱۶۱	۹۹۷	۵۱۶	۴۸۱
شیخ حسن	۹۷	۴۷۸	۲۳۸	۲۴۰
فرودگاه لشکری	۱	۳۷	۳۷	۰
قلعه چه	۳۲	۱۹۳	۹۲	۱۰۱
کجاباد	۳۵۳	۲۱۱۰	۱۰۷۱	۱۰۳۹
کوجان	۸۹	۴۹۷	۲۶۹	۲۲۸
لاله	۳۰۵	۱۶۱۸	۸۰۶	۸۱۲
مایان سفلی (اشاق مایان)	۳۱۸	۱۷۸۵	۹۳۰	۸۵۵
مایان علیا (یوخاری مایان)	۹۹	۶۹۴	۳۵۰	۳۴۴
وزنق	۴۴	۲۶۴	۱۳۴	۱۳۰
جمع دهستان سردرود	۳۱۸۵	۱۸۱۱۰	۹۴۳۷	۸۶۷۳

شکل ۴: بریده نسخه الکترونیکی نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن

(۵) ذکری از روستای ساغالان در یک سند معتبر

در صفحه ۲۱۵ کتاب ماه غسل ایرانی نام روستای ساغالان در کنار صوفیان، بصورت سالوان ذکر گردیده است! سالوان بایستی ناشی از اشتباه نویسنده یا مترجم باشد و صحیح آن ساوالان می باشد.

این کتاب مربوطه به خاطرات کنسول آلمان بنام ویلهلم لیتن در تبریز و مربوط به سالهای ۱۵-۱۹۱۴ می باشد. زمان آن مربوط به بعد از مشروطیت و در آستانه جنگ جهانی اول می باشد.

منبع:

کتاب: ماه عسل ایرانی

نویسنده: ویلهلم لیتن / ترجمه پرویز رجبی

نشر: تهران، نشر ماهی

چاپ: ۱۳۸۵

۲۱۵

نیدرمایر از وسایل و لوازم هیئت خودش یک دست لباس خاکی رنگ زیبا با دکمه‌های چرمی به من هدیه داد. علاوه بر این لباس برای خودم یک کلاه نواحی گرمسیری هم تهیه کردم. به‌طوری‌که حالا دوباره ظاهری اروپایی پیدا کردم و دیگر مثل پاشاهای ترک نبودم.

متأسفانه در بغداد شنیدم که ستوان فون فریزن میل‌تیتس^۱، عضو هنگ پیاده‌نظام زاخزن^۲، که تا سال پیش در سفارت خدمت می‌کرد، در جنگ کشته شده است.

روز سیزدهم مارس از هولشتاین، کنسول آلمان در موصل، خبر رسید که نیروهای عثمانی به‌طرف تبریز در حرکت هستند و شاهزاده ابوالفتح میرزا، منشی کنسولگری، با ستاد عثمانی به ساوجبلاغ رفته است.

در بغداد، روزنامه لاسیرا^۳ (شماره‌ی ۳۴، سوم فوریه‌ی ۱۹۱۵)، چاپ میلان، به دستم رسید که در گزارشی درباره‌ی ورود روس‌ها به تبریز نوشته بود:

پس از پیروزی درخشان روس‌ها در صوفیان و سالوان، که عثمانی‌ها تجهیزات توپخانه خود را از دست دادند و بیش از هزار کشته، دوهزار اسیر و عده بی‌شماری زخمی بر جای گذاشتند، ژنرال‌های عثمانی که لیسن کنسول آلمان و ربیع‌بیگ کنسول تازه‌وارد عثمانی نیز همراه آن‌ها بودند، به سمت مراغه فرار کردند.

پس کردها تمام توپخانه‌ی خود را از دست داده‌اند! قبلاً نوشتم که تمام این توپخانه بار یک الاغ کوچک بود.

روزنامه‌ی چاپ میلان همچنین نوشته بود: «تقریباً همه‌ی اموال کنسولگری

شکل ۵: بریده نسخه الکترونیکی کتاب ماه عسل ایرانی

۶) سندی دیگر در تایید ساغالان بودن نام روستا

در کتاب اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان، صفحه ۱۸۸ و ۱۸۹ نقشه هایی از آذربایجان را معرفی کرده است.

نگارنده موفق به خواندن اسم روستای سهلان در صفحه ۱۸۸ نشد. اما نام این روستا در نقشه ۱۸۹ که در کتابخانه مجلس شورای تهران با شماره آرشیو (m16285) نگهداری میشود ساآلان (Saalan) قید شده است. ساآلان تلفظ ساغالان میباشد و اینهم سندی دیگر بر ساغالان بودن اسم این روستاست.

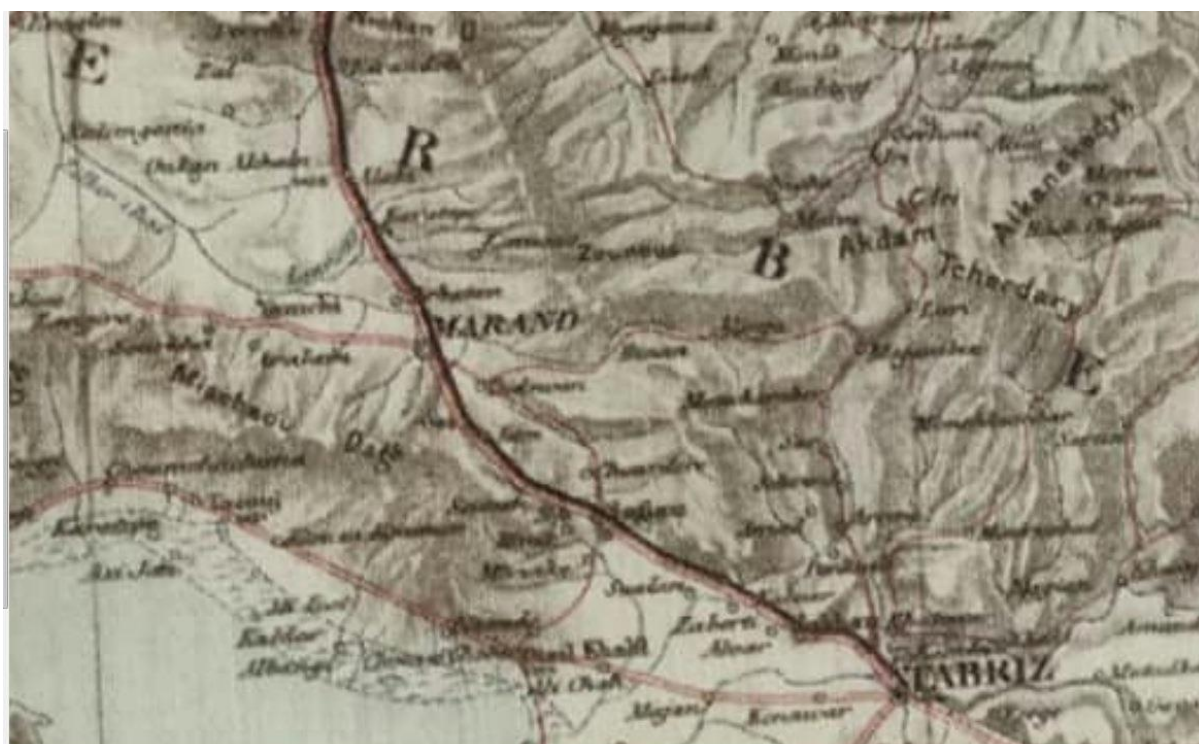
منبع:

کتاب: اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان

نوشته: امیر هوشنگ انوری

نشر: تهران، ندای تاریخ

چاپ اول: ۱۳۹۴



شکل ۵: بریده نسخه الکترونیکی نقشه کتاب اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان

۷) ساغالان گؤلۆ در روستای اویرگان مرند

در روستای اویرگان (ابرغان) مرند که چسبیده به بیناب است کؤوشنی وجود دارد که ساغالان گؤلۆ (استخر ساغالان) نامیده میشود. این اسم بخصوص برای اهالی روستاهای ساغالان و اویرگان میتواند جالب توجه باشد. من ۲-۳ سال پیش از این موضوع آگاه شده بودم، ولی فقط توانسته ام اطلاعات اندک زیر را در اینمورد با پرس و جو از اهالی اویرگان بدست آورم.

اهالی اویرگان به آن منطقه ساآلان و ساوالان گؤلۆ هم میگویند. اما چون در لهجه مردم آنجا تبدیل حرف غ به و اتفاق میافتد. بنابراین نام اصلی آن استخربایستی همان ساغالان باشد که با نام اصلی روستای سهلان یکی است. کلمه گؤل نشان میدهد که باید قبلا در آن کؤوشن استخری وجود داشته باشد که این منطقه نام خود را از او گرفته است. چسبیده به ساغالان گؤلۆ منطقه دیگری بنام کند یئری وجود دارد که مطابق شنیده ها و روایتها از اهالی مسن روستا مکان قبلی اویرگان بوده است. همچنین اهالی اویرگان از افراد مسنشان شنیده اند که در حدود ۳۰۰ سال پیش عقربهای سیاه به روستایشان چنان هجوم آورده اند که محل روستا را مجبورا حدود ۳ کیلومتر به سمت دیگر (مکان فعلی) منتقل کرده اند.

شنیده اند، در حمله عقربها عده ای نیز به جاهای دیگر از جمله ساغالان کوچ کرده اند. در روستای ساغالان گفته میشود طایفه محمدلی از بیناب مرند آمده اند. چون در این روستا اویرگان یک روستای ناشناخته است، بنابراین احتمالا طایفه محمدلی همان کوچ کنندگان از اویرگان میباشند. همچنین خانواده هایی با شهرت اسدزاده در اویرگان زندگی میکنند که از نسلهای قبلشان شنیده اند که که آنها از ساغالان به اویرگان رفته اند. این خانواده ها نام روستایی که از نسلهای قبل خود شنیده اند، ساوالان بوده است. آنها اظهار میدارند در اویرگان به غیر از آنها ساوالان (ساغالان) برای دیگران شناخته شده نیست.

باید گفت، وجود نام یک روستا بعنوان یک کؤوشن در یک روستای دیگر یک امر عادی میباشد.

منابع شفاهی، آقایان:

۱ جلیل علیزاده، متولد ۱۳۵۵

۲ اسکندر بابازاده متولد ۱۳۶۱

۳ قربانعلی مرادی متولد ۱۳۵۲

۴ علیرضا اسدزاده متولد ۱۳۴۵

۸) ساوالان ذکر شدن نام روستا در مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام شهید تبریزی

نویسنده کتاب مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام شهید تبریزی، ثقة الاسلام تبریزی می باشد. در صفحات ۱۱۲ و ۱۱۳ کتاب مذکور که مربوط به جریانات مشروطه هستند به روستای ساغالان با نام ساوالان اشاره شده است.

منبع:

<https://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Text/39068/2/112?SearchText=%D9%82%D8%B1%DB%8C%D9%87%20%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86>

ست کتابها پدیدآورندگان فهرست کتابخانهها قریه ساوالان عنوان کتابها

قریه ساوالان (۵ تا ۵۴۰) متن

اجمده معلوم شد ده جمعی از جانب شهر و جمعی سواره ماو از خارج رو به امیره فیر نداشته و جنگ درده اند از داخله شهر سواره رحیم خان و سواره های مردی هجوم برده اند از جانب ستار خان بمب بجانب يك جماعتی از مهاجمین انداخته شده که قریب ۸ نفر مقتول و زیر خاک مانده اند، از جمله مقتولین دو سه نفر از سواره های نامی بوده، ضرغام نظام قره داغی نیز مختصر زخمی از سرش برداشته مجمل مهاجمین نتوانسته اند کاری بکنند...

تا آخرین نفر و تا آخرین نفس

و هم در این روز (۱۴ ماه) نایب قونسول انگلیس چهار نفر از ملت را بعنوان نماینده بحضور می پذیرد، میرزا حسین واعظ، میرزا محمد تقی، شیخ محمد خیابانی میرزا سید حسین خان، چه مذاکره میکنند معلوم نکرده ام، همین قدر شنیدم همگی گفته اند که اگر این جماعت را هر قدر حساب فرمائید اگر يك نفر هم از ایشان بماند، باز مطالبه حقوق خواهند کرد.

دو روز قبل شهرت دادند، از لندن تلگرافی بامضاء ایرانیان به انجمن آمده که قرار شد تا ۱۴ شوال وکلاء انتخاب و بطهران فرستاده شوند.

تفصیل جنگ ۱۴ ماه شعبان ۱۳۲۶:

تفصیل جنگ ۱۴ شعبان را باین نحو تقریر کردند که: سواره ماکو با سواره مرند و غیره دو سه روز قبل در ساوالان از جانب اهالی قریه مزبور گرفتار مدافعه بودند بالاخره سواره هجوم کرده و توپ بسته تا بعلف و خرمن ها آتش گرفته و قهرا غلبه کرده اند

شکل ۷: بریده نسخه الکترونیکی کتاب مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام شهید تبریز در کتابخانه نور

۹) ساوالان قید شدن نام روستا در کتاب میراث اسلامی ایران جلد ۹

گردآورنده کتاب میراث اسلامی ایران حجه الاسلام رسول جعفریان میباشد. در قسمتی از کتاب که به جنگ تفنگچیان ماکو با مشروطه طلبان میپردازد، همانطوریکه که در شکل ۸ مشخص میباشد، نام روستای مورد بحث ساوالان قید شده است.

منبع:

<https://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Text/26295/1/130?SearchText=%D9%82%D8%B1%DB%8C%D9%87%20%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86>

کتابها پدیدآورندگان فهرست کتابخانهها قریه ساوالان عنوان کتابها

قریه ساوالان ۱۳۰ (۱ تا ۶۸۳)

که حکومت خوی را داشت، اردویی از افواج خوی و تفنگچیان چریک ماکو تشکیل داده و با قریب سه هزار جمعیت و چند عراده توپ اتریشی و معیت حاجی حیدر خان امیر تومان و اسماعیل آقای شکاک به عزم تسخیر شهر تبریز حرکت نمودند. و از آن طرف ستار خان که وی را «سردار ملی» می گفتند، جمعی از مجاهدین را به ریاست حاجی عبد الله نامی در قریه «ساوالان» دو فرسخی تبریز به صاخلوی و جلوگیری گذاشته و سنگرها ترتیب داده به مدافعه برمی خیزند. و لیکن در قبال حمله قشون دولتی تحمل نیاورده، بعد از تلفات به مقام تسلیم برآمدند. بعد از تسلیم، حضرات رئیس مجاهدین را با سه نفر از ایشان به حکم سالار ماکویی در دم توپ بسته ابدانشان را از شراره توپ آتشین در هوا متفرق و متلاشی نمودند.

از آنجا گذشته، در نزدیکی پل آجی که نیم فرسخی شهر تبریز است، سنگری مرتب نموده و اقامت می نمایند. و از آنجا با توپ گاهی با حضرات مجاهدین زد و خوردی می کردند. و در این مدت مدید ابتدا از جانب عین الدوله اقداماتی نرفته (۸۱ ب) و با کمال احتیاط رفتار می کرد، زیرا که ظاهراً اگرچه به واسطه پیغامات تهدیدآمیز و ارسال رسل و رسائل اظهارهای و هویی می کرده، ولی باطنا توپ انداختن به ملت اسلام را خصوصاً به جانب شهری مثل تبریز هرگز جسارت و تجویز نداشته و کجدار و مریز مدارایی و حرکت صوری می نمود.

و لیکن عزت الله خان که جوانی بود جنگی و جسور و دلیر با تمام جدیت و صداقت به مجاهده پرداخته و مقصودش فقط اجرای

شکل ۸: بریده نسخه الکترونیکی کتاب میراث اسلامی ایران در کتابخانه نور

نویسنده: قدرت ابوالحسنی سهلان

مورخه ۱۴۰۰/۴/۱۴